

آیا چین و روسیه می‌توانند به ایران کمک کنند؟



گوروش احمدی

دیپلمات پیشین

بعد از انجام اسنپ‌بک، یک سؤال مهم این است که آیا چین و روسیه می‌توانند کمک مؤثری به ایران برای کاهش اثرات بازگشت قطع‌نامه‌ها بکنند یا خیر. در سه زمینه در تئوری امکان چنین کمکی وجود دارد ۱- اجرانشدن شش قطع‌نامه اعاده‌شده، ۲- ایجاد مانع و اخلال در کار کمیته تحریم ۱۷۳۸ و پنل کارشناسی ۱۹۲۹ و ۳- جلوگیری از انجام اقدامات جدید از سوی شورای امنیت علیه ایران. توضیحاتی در این سه مورد به شرح زیر قابل ذکر است:

۱- چین و روسیه در نامه‌ای که به همراه ایران در ۲۸ اوت به رئیس شورای امنیت نوشتند، ضمن تأکید بر اینکه سه کشور اروپایی در موقعیتی نیستند که بتوانند مکانیسم ماشه را فعال کنند، تصریح کردند که اگر با وجود اشکالات حقوقی شکلی و محتوایی چنین اقدامی انجام شود، نتیجه آن «نمی‌تواند تعهدات قانونی بین‌المللی برای اعضای سازمان ملل ایجاد کند». معنی این عبارت این است که در صورت بازگشت قطع‌نامه‌ها، چین، روسیه و ایران خود را ملزم به اجرای آنها نخواهند دانست. چین و روسیه در سخنرانی‌های‌شان در دو نشست شورای امنیت درمورد دو پیش‌نویس قطع‌نامه رایج به ادامه لغو تحریم‌ها و تمدید سررسید قطع‌نامه ۲۲۳۱ اگرچه همچنان اقدام سه کشور اروپایی را به لحاظ حقوقی رد کردند، اما درمورد ایجادنشدن تعهدات حقوقی در صورت برگشت شش قطع‌نامه سخنی نگفتند، پس در عمل باید دید که آیا این کشورها به مفاد نامه ۲۸ اوت عمل خواهند کرد یا خیر. در عمل باید دید که آیا آنها ازجمله در حوزه تسلیحات متعارف، موشکی و هسته‌ای با ایران همکاری خواهند کرد یا خیر. البته آنها همیشه ملاحظه تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا و اروپا را نیز داشته‌اند.

۲- چین و روسیه درباره ایجاد مانع و اخلال در کار کمیته تحریم و پنل کارشناسی به‌راحتی می‌توانند اقدام کنند. کمیته تحریم ایران که به واسطه قطع‌نامه ۱۷۳۷ ایجاد شده، با بازگشت قطع‌نامه‌ها دوباره موجودیت پیدا خواهد کرد. کمیته‌های تحریم مطابق ماده ۲۹ منشور ارگان‌های فرعی شورای امنیت‌اند و تا زمانی که تحریم‌ها برقرارند، این کمیته‌ها نیز برقرارند و نیاز به تمدید سالانه آنها نیست، پس چین و روسیه از نظر ایجاد و تداوم کار کمیته ۱۷۳۷ قادر به کاری نخواهند بود. اما از آنجا که تصمیمات در کمیته‌های تحریم باید با اتفاق آرا اتخاذ شود، هر عضو این کمیته‌ها، اعم از دائمی و غیردائمی، در عمل می‌تواند تصمیمات را بلوکه کند. در اینجا چین و روسیه می‌توانند مشکل ایجاد کنند و در اولین قدم تعیین رئیس کمیته را دشوار و زمان‌بر کنند، این دو کشور همچنین می‌توانند در انجام وظایف کمیته که عمدتاً شامل نظارت بر اجرای تحریم‌ها، افزودن یا کاستن از شمار نهاده‌ها و اشخاص رور فهرست تحریم، صدور بیانیه و گزارش و تصویب معافیت‌ها از تحریم مانع ایجاد کنند. مثال کره شمالی بسیار گویاست، روسیه و چین که بعد از آزمایش هسته‌ای کره شمالی در ۲۰۰۶، با غرب در شورای امنیت و کمیته تحریم ۱۷۱۸ همکاری و مجموعاً ۱۰ قطع‌نامه علیه کره تصویب کرده بودند، از ۲۰۱۷ همکاری با غرب را متوقف کردند و از آن پس مانع تصویب قطع‌نامه جدیدی علیه کره شدند. آنها فعالیت کمیته تحریم ۱۷۱۸ را نیز با مشکلات جدی مواجه کردند. اقدام دیگری که چین و روسیه می‌توانند انجام دهند، نظری تشکیل پنل کارشناسی است که برای نظارت بر تحریم‌های ایران خواهد بود. این پنل که در ۱۹۲۹ ایجاد شده، برخلاف کمیته تحریم باید هرساله تمدید شود. چین و روسیه می‌توانند با توسل به وتو مانع تشکیل آن شوند. درباره کره شمالی، روسیه در ۲۰۲۴ با توسل به وتو و چین با رای ممتنع مانع تمدید مأموریت پنل کارشناسی شدند.

۳- اقدامات دیگری که روسیه و چین می‌توانند در حمایت از ایران انجام دهند، بستگی به تحولات بعدی دارد. به‌عنوان مثال اگر ایران اقدام به خروج از ان‌بی‌تی کند، چین و روسیه در صورت تمایل می‌توانند مانع بسیاری از اقداماتی شوند که حتماً در دستور کار کشورهای غربی قرار خواهد گرفت. بعد از خروج کره شمالی از ان‌بی‌تی در ۲۰۰۲ چین و روسیه مانع محکومیت و نامعتبر شمرن اقدام کره از سوی شورای امنیت و اعمال تحریم‌هایی در این زمینه شدند. اما همان‌طور که اشاره شد، بعد از آزمایش هسته‌ای کره شمالی در ۲۰۰۶، چین و روسیه تا ۲۰۱۷ علیه کره در شورای امنیت با غرب همکاری کردند.

سه‌شنبه ۸ مهر ۱۴۰۴
۷ ربیع‌الثانی ۱۴۴۷
۳۰ سپتامبر ۲۰۲۵
سال بیست‌ودوم
شماره ۵۲۱۶
۳۰ هزار تومان
۱۲ صفحه

روزنامه

در «شرق» امروز می‌خوانید:

در «شرق» از فرافکنی سیاسیون بعد از بازگشت قطع‌نامه‌ها گزارش می‌دهد

«شرق» از فرافکنی سیاسیون بعد از بازگشت قطع‌نامه‌ها گزارش می‌دهد

فرار به جلو؛ مسیر محبوب سیاست‌مداران

گزارش تئتریک رادر صفحه ۳ بخوانید



دوگانه‌سازی دوباره روحانی – جلیلی در روزهای پس از بازگشت قطع‌نامه‌های شورای امنیت

مناظره یا نمایش؟

یادداشت

ایران در بزنگاه سخت

ضرورت سیاست‌ورزی هوشمندانه



محسن‌هاشمی‌رفسنجانی

طبقه قدرت‌های متوسط و منطقه‌ای تعریف می‌شوند، در معرض تهدیدهای بیشتری قرار دارند. اما درست در همین موقعیت است که اهمیت انتخاب‌های راهبردی آشکار می‌شود. اگر قدرت‌های بزرگ بر زور خود تکیه می‌کنند و کشورهای کوچک در حاشیه قرار می‌گیرند، قدرت‌های میانه‌ای مانند ایران و ترکیه می‌توانند با سیاسی هوشمندانه و آینده‌نگر، نه‌تنها از زیان‌ها بکاهد، بلکه جایگاه خود را نیز ارتقا دهند. ایران با بهره‌گیری از موقعیت ژئوپلیتیکی بی‌بدیل، شبکه‌های انسانی گسترده در منطقه و سرمایه‌های فرهنگی و اقتصادی، قادر است در این جهان متزلزل به بازنگری تأثیرگذار تبدیل شود؛ به شرط آنکه سیاست خارجی‌اش را بر پایه عقلانیت، تعامل و اعتمادسازی بازتعریف کند. پس آنچه امروز ضعف به نظر می‌رسد، می‌تواند آغازی برای قدرت‌آفرینی تازه باشد؛ فرصتی برای آنکه ایران از موقعیت «آسب‌پذیر» به جایگاهی «تعین‌کننده» گذر کند. در این شرایط، تعلیق همه‌امور به بهبود اوضاع جهانی

یادداشت

از «غرب‌زده» تا «غرب‌گرا» و سیاست «گفت‌وگو»



حسین حقگو

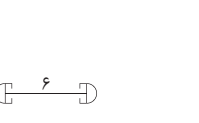
کارشناس اقتصادی

دکتر غنی‌نژاد با رد این اتهامات و نادرست‌دانستن این تحلیل‌ها و از موضع یک اقتصاددان لیبرال کلاسیک مفهوم نئولیبرالیسم را مبهم و مبهم‌دانست و ناکارآمدی اقتصادی ایران را ناشی از سیاست‌های دستوری عنوان کرد. سیاستی که با قیمت‌گذاری در تمام بازارها سبب ایجاد رانت و فساد شده و «رانت‌خواران و پولدارهای بزرگ خصولتی محصول همین اقتصاد دستوری و رفاقتی‌اند که هیئت‌مدیره‌های‌شان اکثر انصوبان از سوی قدرت سیاسی حاکم هستند». او شکست خصوصی‌سازی را ناشی از عدم آزادسازی اقتصادی و ایجاد فضای کسب‌وکار آزاد و رقابتی عنوان کرد و اینکه «سرمایه‌داران انحصارگر و رانت‌خواران هیچ ربطی به لیبرالیسم ندارند و اتفاقاً از نبود تجارت آزاد و سیاست دستوری سود می‌برند» (همان). سیاستی که سبب کسری بودجه دولت و ایجاد نقدینگی و تورم و افزایش قیمت ارز و... می‌شود و نه عکس آن یعنی افزایش قیمت ارز و تورم و... که از سوی آقای جبرائیلی و افرادی نظیر ایشان عنوان می‌شود. در

نگاهی منصفانه می‌توان گفت: اقتصاد ایران آن جاهایی رشد کرد و بزرگ شد و رفاه و آسایش‌های نسبی را برای مردم فراهم کرد که – در چارچوب آموزه‌های علم اقتصاد حرکت کرد، به تکنوکرات‌ها و کارآفرینان و صنعتگران احترام گذاشت و فعالیت‌های نهاد‌های مدنی و صنفی و صنعتی را تا حدی به رسمیت شناخت (برنامه‌های دوم و سوم توسعه).

گفت‌وگو با کاوه کاظمی به مناسبت انتشار کتاب عکس «گذاری در سرزمین رزشتیان»

ما با نور می‌نویسیم



کتاب عکس «گذاری در سرزمین رزشتیان»

برگزیده‌ها

بررسی اثرات قیمت‌گذاری دستوری بر اقتصاد دیجیتال

تله قیمت‌گذاری

۴

محسنی‌اژه‌ای:

جای هیچ‌گونه مماشاتی با خیانت‌کاران نیست

۲

سخت‌گیری‌های استخدام در نهادهای دولتی و تمسخر و توهین در روند گزینش

استخدام زیر فشار

۱۰

چگونه قدرت تهدید ایران خنثی شد

پاجوش‌ها دست ایران را برای خارجی‌ها رو کردند

۲

صحبت‌های طلبکارانه مدیرعامل پرسپولیس

این روزها همه ناراضی‌اند، جز درویش

۹

تداوم مشکلات تحصیلی دانشجویان به دلیل احکام انضباطی سال ۱۴۰۱

فصل جدید اخراج دانشجویان

۸

هدیه‌ای از جنس نقد

شهید سید حسن نصرالله



سیدمحمدعلی ابطی

سالگرد شهادت سیدحسن نصرالله است؛ دیپلمات انقلابی.

شاید کمتر کسی تا به حال سیدحسن نصرالله را مرد دیپلماتی و تساهل در امور معرفی کرده باشد.

مرد مجاهد بزرگی بود که در اوج انقلابی‌گری -که همه انقلابیون دنیا او را برتر از خودشان می‌دانستند- مرزهای دیپلماتی را به‌خوبی می‌شناخت. دوست داشت حزب‌الله یک جریان منطقی شناخته شود و البته منطقی‌ترین اتفاق دنیا مبارزه با رژیم جنایتکار اسرائیل بود.

با وجود تبلیغات سنگین در دنیا، با هر معیاری که در لغت‌نامه‌های جهان آمده باشد، تروریست نبود. او به دنبال حق مشروع مردم کشور بود و این اوج میهن‌پرستی بود. البته دشمنش دارای بزرگ‌ترین کارتل‌های رسانه‌ای جهان از سه دهه پیش بود. آن‌قدر تروریست‌بودن را تکرار می‌کردند که کسی نتواند معنای واقعی این واژه را بفهمد.

نقطه عطف دیپلمات‌بودنش، ارتباط او با ایران بود. کسی تردید ندارد که هم‌افقی فکری او با اسام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای در مورد مبارزه با اسرائیل باعث شده بود که از همه لحاظ ایران پشتوانه حزب‌الله باشد. او هم جدا قدرشناس بود و این قدرشناسی اتفاق مهمی نبود. سرپشته می‌توانیم بگوییم که بعضی گروه‌های انقلابی که حمایت‌هایی از ایران دریافت می‌کردند، به وقت فشار جهانی ایران و مصالح ایرانی را نادیده می‌گرفتند، اما سیدحسن خلی شفاف قردان بود و این را کتمان نمی‌کرد. بارها برای مردم لبنان توضیح می‌داد که ایران در حالی از حزب‌الله حمایت می‌کند که این حمایت مشکلات زیادی برایش داشته است. در بعضی از دوره‌های اوج محبوبیتش در جهان عرب و اسلام، کشورهای

پولداری به او پیشنهاد همکاری و حمایت می‌دادند و فقط توقع داشتند که از ایران فاصله بگیرد، اما نکرد.

ادامه در صفحه ۴

ادامه در صفحه ۲